

شهریار زروکی و همکاران (۱۳۹۷) به تحلیل نامتقارن تکانه‌های قیمت نفت و درآمدهای نفتی بر نرخ بیکاری در ایران پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که هر دو متغیر اثرات نامتقارن بر نرخ بیکاری در ایران دارند.

۲. مبانی نظری

تغییرات قیمت نفت می‌تواند از طریق دو کانال اصلی عرضه و تقاضا بر اقتصاد تأثیر بگذارد (کیلیان^۱، ۲۰۱۴). با توجه به کانال عرضه، که مشابه شوک نامطلوب عرضه است، اکثر مطالعات پیش بینی تئوریک مدل‌های شوک سمت عرضه را تأیید می‌کنند که افزایش قیمت نفت منجر به افزایش سطح قیمت و کاهش سطح تولید می‌شود. (براون و یوسل^۲، ۲۰۰۲). این مسأله به این علت است که نفت در کنار نیروی کار و سرمایه یکی از عوامل اصلی تولید است. بنابراین افزایش قیمت نفت منجر به افزایش قیمت تولید شود که ممکن است عرضه کل را کاهش دهد که موجب افزایش قیمت‌ها، کاهش تولید و بیکاری بیشتر می‌شود. بعنوان مثال همیلتون^۳ (۱۹۸۳) و مورک^۴ (۱۹۸۹) دریافتند که رابطه منفی بین شوک‌های قیمت نفت و GDP وجود دارد و نشان دادند که شوک‌های نفتی موجب رکود اقتصادی می‌شوند. کروت و همکاران^۵ (۱۹۹۸) رابطه مثبتی بین قیمت واقعی نفت و بیکاری بدست آوردند. ناسه و الیاسیانی^۶ (۱۹۸۴) نشان دادند که شوک قیمت انرژی ۱۹۷۳ یک تکانه تورمی عمده در امریکا، کانادا، انگلیس، آلمان و فرانسه ایجاد کرد. در مورد کانال تقاضا که مشابه شوک منفی تقاضای کل است، افزایش قیمت نفت منجر به انتقال درآمد از واردات نفت به کشورهای صادرکننده نفت می‌شود که ممکن است اثرات متفاوتی بر کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت داشته باشد. در کشورهای صادرکننده نفت، انتقال درآمد منجر به درآمد ملی بیشتر از طریق

1. Kilian

2. Brown and Youssel

3. Hamilton

4. Mork

5. Carruth and et al

6. Nasse & Elyasiani